



Critical Discourse Analysis of "al-Tariq al-Tawil" by Naguib al-Kilani based on Norman Fairclough's Approach

Mohammad Mahdi Karimi*¹, Shahryar Niazi²

¹ Ph.D Student of Arabic Language and Literature, University Of Tehran, Tehran, Iran

² Associate Professor of Arabic Language and Literature, University Of Tehran, Tehran, Iran

⁴Associate Professor of Arabic Language and Literature, Imam Khomeini International University.

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
05/03/2023
Accepted:
04/11/2023

ABSTRACT

Critical discourse analysis is one of the new methods in discourse analysis and linguistic studies. It examines linguistic data, ideological processes, and situational, social, and intertextuality contexts affecting discourse formation. The analytical paradigm developed by Norman Fairclough is regarded as one of the most influential approaches to critical discourse analysis. In this view, discourse is analyzed in three levels: description, interpretation, and explanation. This descriptive-analytical study employing the approach of Fairclough analyzes the levels of the critical discourse of al-Tariq al-Tawil by Naguib al-Kilani to explicate the author's intended ideology and discourse. According to the research findings, using the function of words and their semantic relationships, positive verbs, and metaphorical sentences, Naguib al-Kilani has demonstrated his point of view in this novel. Moreover, he explains the effects of colonialism on Egyptians' lives by employing intertextuality and citing Islamic themes and Quranic verses. Al-Kilani uses a combative discourse to convey freedom and resistance to oppression. He seeks to inculcate his ideology and concepts by fortifying the combat spirit, such as obtaining freedom and independence and fighting against the colonialist adversary.

Keywords: *Critical discourse analysis, Norman Fairclough, Naguib al-Kilani, al-Tariq al-Tawil, Colonialism.*

Cite this article Karimi, ., Mohammad Mahdi, Niazi, .,Shahryar. (2024). *Critical Discourse Analysis of "al-Tariq al-Tawil" by Naguib al-Kilani based on Norman Fairclough's Approach*, Vol. 15, New Series, No.54, Winter 2024. Pages:25-45.

DOI: 10.30479/lm.2023.18516.3511



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mohammad Mahdi Karimi

Address: Ph.D Student of Arabic Language and Literature,
University Of Tehran, Tehran, Iran

E-mail: mmkarimi74@ut.ac.ir

تحلیل گفتمان انتقادی رمان «الطریق الطویل» نجیب الکیلانی بر اساس

رویکرد «نورمن فرکلاف»*

محمد مهدی کریمی^۱، شهریار نیازی^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از شیوه‌های جدید در تحلیل گفتمان و مطالعات زبان‌شناختی است که به بررسی صرف داده‌های زبانی اکتفا نکرده، بلکه فرآیندهای ایدئولوژیک و بافت‌های موقعیتی، اجتماعی و بینامتنی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. الگوی تحلیلی نورمن فرکلاف از مهم‌ترین رویکردها در تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌رود. در این دیدگاه، گفتمان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و در پرتو رویکرد فرکلاف، به بررسی سطوح گفتمان انتقادی رمان الطریق الطویل از نجیب الکیلانی می‌پردازد تا ایدئولوژی و گفتمان مدنظر نویسنده را تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نجیب الکیلانی در رمان مذکور با بهره‌گیری از کارکرد واژگان و روابط معنایی بین آن‌ها، افعال مثبت و خبری، کاربرد جملات استعاری، دیدگاه خود را نشان داده است. همچنین وی با استفاده از بینامتنیت و فراخوانی مضامین اسلامی و متون قرآنی، به دنبال تبیین آثار و تبعات استعمار بر زندگی مردم مصر است. کیلانی با گفتمانی مبارزه‌طلبانه به بیان موضوعاتی همچون آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر ستم می‌پردازد و با تقویت روحیه مبارزه‌طلبی، به دنبال القای ایدئولوژی مدنظر خود و مفاهیمی چون به‌دست‌آوردن آزادی، استقلال و مبارزه با دشمن استعمارگر است.

کلمات کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، نجیب الکیلانی، الطریق الطویل، استعمار.

استناد: کریمی، محمد مهدی؛ نیازی؛ شهریار. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی رمان «الطریق الطویل» نجیب الکیلانی بر اساس رویکرد «نورمن فرکلاف»، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۲: ص ۴۵-۲۵.



DOI : 10.30479/lm.2023.18516.3511

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

در هر دوره‌ای حوادث مختلفی رخ می‌دهد که بر ادبیات آن دوره نیز تأثیر می‌گذارد. مسائلی که در قرن ۱۹ و ۲۰ در سرزمین‌های عربی ظهور کرد، موجب درگیر شدن گسترده ادیبان با دغدغه‌ها و اوضاع جامعه شد؛ تا جایی که نویسندگان و شاعران، پرداختن و اهمیت دادن به این مشکلات و پایبند دانستن خود به بیان آن‌ها را از وظایف اصلی خویش برمی‌شمردند. این شرایط، مجالی را فراهم کرد که ادبیات بتواند به‌عنوان تفسیر و نقدی بر زندگی عمل کند (الورقی، ۱۹۸۴: ۵۰). در میان انواع مختلف ادبی، «رمان به دلیل توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بر دارد؛ زیرا رمان از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی، جدی‌ترین قالب به‌شمار می‌رود» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰) و تحلیل و بررسی آن، پژوهشگر را با دیدگاه و افکار نویسنده در ابعاد مختلف آشنا می‌کند. یکی از رویکردهای تحلیل رمان که تبیینی جامع از ابعاد مختلف این اثر ادبی را به پژوهشگر ارائه می‌دهد، روش تحلیل گفتمان است. در تحلیل گفتمان «برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سروکار داریم» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). از مهم‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمان، رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف است که دارای مدرن‌ترین نظریه‌ها و روش‌ها برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

نجیب الکیلانی از نویسندگان معاصر مصری، آثار مهمی از جمله رمان‌های متعدد را به رشته تحریر درآورده که غالباً مشکلات و مسائل جوامع اسلامی را بیان می‌کند (الکیلانی، ۱۹۸۵: ۳۷). یکی از مهم‌ترین آثار وی رمان «الطریق الطویل» است. از آن جهت که تحلیل گفتمان بر مبنای رویکرد سیاسی و اجتماعی است، تحلیل گفتمان انتقادی رمان «الطریق الطویل» که مرتبط با دوران حضور انگلیس استعمارگر در مصر است، این امکان را به نویسنده می‌دهد که با بررسی این رمان در سطوح مختلف و به شکل جداگانه و از سویی با آشکار ساختن لایه‌های عمیق ساختار و معنای موجود در رمان، به دیدگاه و ایدئولوژی نویسنده از آفرینش این اثر دست پیدا کند.

پژوهش حاضر بر آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مؤلفه‌های برجسته و بارز رمان مذکور، بر اساس رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف، این رمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی و تحلیل کند تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- مهم‌ترین گفتمان حاکم در رمان «الطریق الطویل» چیست؟

۲- ویژگی‌ها و کارکردهای برجسته گفتمانی این رمان بر مبنای سطوح موردنظر فرکلاف و انتقال مضامین موردنظر نویسنده به مخاطب، به چه شکلی نمود پیدا کرده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با رمان «الطریق الطویل» پژوهش‌هایی صورت گرفته است، همچون:

- ملاابراهیمی و یگانه دیزج‌ور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل شخصیت زن در رمان‌های نجیب کیلانی (مطالعه موردی: رمان‌های الطریق الطویل، قاتل حمزه و الرجل الذی آمن)» بررسی شخصیت زن در این سه رمان را مدنظر قرار داده‌اند و در نتایج پژوهش دریافته‌اند که شخصیت‌های زنانه در این رمان‌ها شخصیت فرعی‌اند که کیلانی با مهارت کامل توانسته به واسطه آن‌ها به اهداف اصلی خود دست یابد.

- افضل‌ی و خیری زاده (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی و تحلیل عنصر درونمایه در رمان «الطریق الطویل» اثر نجیب الکیلانی» عنصر درونمایه را در این رمان بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نویسنده در رمان مذکور به‌منظور طرح درونمایه از روش غیرصریح بهره جسته و آن را در افکار و تخیلات شخصیت‌های رمان گنجانده است و بر اساس سرنخ‌ها می‌توان این عناصر را استخراج کرد. همچنین پژوهش‌های متعددی در حوزه تحلیل رمان و داستان بر اساس رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف نگاشته شده است که می‌توان از موارد زیر نام برد:

- زینی‌وند و صولتی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «گفتمان‌شناسی انتقادی داستان کوتاه «طریق الخلاص» با نگاهی بر رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف» گفتمان این داستان را بر اساس سطوح سه‌گانه فرکلاف، مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که نویسنده در این داستان، خواننده را با چالش‌های بنیادی همچون رودررویی مرد و زن سنتی با زن متجدد روبرو کرده است و جامعه‌پذیری ناقص در هردو گفتمان، پایانی تلخ یعنی مرگ قهرمان داستان را به دنبال دارد.

- خضری و عدالتی‌نسب (۱۳۹۵) در مقاله «زبان و گفتمان انقلابی در رمان «فراشه میدان» سلطان الحجار (بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف)» رمان مذکور را در سه سطح موردنظر فرکلاف بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که نویسنده با ایجاد هم‌نشینی، تضاد، برقراری ارتباط بین واژگان و استفاده از بافت بینامتنی برای بیان سیر تحول شخصیت زن، ایدئولوژی و تفکر خویش را تبیین کرده و گفتمان غالب خود را که مبتنی بر هویت و آزادی‌خواهی است، به تصویر می‌کشد.

با جستجو در پژوهش‌های مختلف، پژوهشی مرتبط با تحلیل گفتمان انتقادی در آثار این نویسنده و به‌طور خاص رمان «الطریق الطویل» یافت نشد و از این نظر پژوهش حاضر دارای نوآوری خواهد بود.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان اصطلاحی زبان‌شناختی است. به عقیده تئون ون‌دایک گفتمان دارای سه عنصر کاربرد زمان، برقراری ارتباط میان باورها (شناخت) و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی است (۱۳۸۲: ۱۹). نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱). از دیدگاه وی، گفتمان از یک سو مطالعه زبان‌شناختی نظام اجتماعی و از سوی دیگر، مطالعه جامعه‌شناختی زبان است. به اعتقاد او میان ساختارهای خرد گفتمان، ویژگی‌های زبان‌شناسی، ساختارهای کلان جامعه، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیکی وجود دارد. از نظر او، تحلیل گفتمان شامل سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین است. در این طرح پیشنهادی، فرکلاف توصیف را پیش‌فرض تفسیر و تبیین می‌داند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸۵). به عبارتی وی در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال این است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند. فرکلاف در این نوع از تحلیل گفتمان، متن را به صورت مبسوط و همه‌جانبه تحلیل می‌کند تا چگونگی عملکرد زبانی فرایندهای گفتمانی در متون مورد بررسی را نشان دهد و معتقد است میان متن، کنش‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای پیچیده برقرار است که برای شناخت آن باید از برداشت ساده‌انگارانه و سطحی میان متن و جامعه فراتر رفت (همان: ۶۷).

۲-۲. خلاصه رمان

رمان «الطریق الطویل» یکی از برجسته‌ترین رمان‌های نجیب‌الکیلانی به‌شمار می‌آید. کیلانی در این داستان، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مصر را از زمان آغاز جنگ جهانی دوم تا رهایی این کشور از چنگال استعمار انگلیس نمایانده است. در این برهه زمانی، مصر به سبب آثار جنگ و سلطه استعمار انگلیس، در شرایط نابسامانی به سر می‌برد. فقر، ظلم و ستم، رباخواری و بی‌عدالتی مردم را به تنگ آورده بود و وجود رهبران دست‌نشانده و بی‌کفایت موجب دوچندان شدن مشکلات شده بود. اوضاع زندگی و معیشت خانواده سعید و سلیمان که دو شخصیت اصلی داستان هستند، انعکاسی از این هرج و مرج و آشفتگی است. این دو خانواده، قربانی وضعیت حاکم هستند و بخشی از رمان به مشکلات و مسائلی که آنان با آن درگیر هستند، می‌پردازد. سلیمان دانش‌آموز سال سوم ابتدایی است. پدرش *عبدالدائم* به دلیل فقر و تنگدستی به مرسی/ابوعفر رباخوار متوسل می‌شود و از او پول قرض می‌گیرد، اما به دلیل ناتوانی در بازپرداخت قرض، وی مجبور می‌شود بسیاری از وسایل منزل و اموال خود را بفروشد تا بتواند پول ابوعفر را بدهد. از سوی

دیگر، بخش دیگری از داستان، مشکلات و مسائل خانواده سعید، دوست، همکلاسی و همسایه سلیمان را بیان می‌کند. درآمد خانواده سعید نیز همچون خانواده سلیمان ناچیز است. شیخ حافظ پدر سعید، جنگ و استعمار انگلیس را عامل همه بدبختی‌ها در کشور می‌داند. خانواده وی نیز یکی از قربانیان جنگ و استعمار هستند. او به علت فقر مجبور می‌شود دخترش بسیمه را به عنوان خدمتکار به اسکندریه بفرستد، اما اربابش به او هتک حرمت کرده و به علت جنگ، او را تنها رها کرده و فرار می‌کند. پس از شش سال بسیمه را در تیمارستانی پیدا می‌کنند و او را به خانه می‌آورند، اما بسیمه که بر اثر اتفاقات گذشته، حال روحی خوبی ندارد، در نهایت زیر ریل قطار خودکشی می‌کند. بخش دیگر رمان، بیانگر اتفاقاتی است که در این زمان در مصر و برخی از کشورهای عربی رخ می‌دهد. تظاهرات و اعتصاب دانش‌آموزان دبیرستانی و تصمیم قاطعانه آنان برای بیرون راندن انگلیس از مصر، یکی از این رخدادهاست که پس از اتمام جنگ جهانی دوم و به علت نیرنگ انگلیس در محقق ساختن وعده‌های دروغین خود در جهت استقلال و آزادی کشورهای استعمارزده، اتفاق می‌افتد. اوضاع زندگی خانواده سلیمان و سعید، نمونه بارزی از مشکلات و مصیبت‌هایی است که گریبانگیر جامعه مصر در زمان سلطه استعمار است. این مسائل موجب به وجود آمدن رگه‌هایی از انقلاب شده که ابتدا به شکل اعتصاب و تظاهرات و سپس به شکل کودتا نمایان می‌شود؛ اقشار مختلف مردم وارد صحنه می‌شوند، دولت دست‌نشانده با حکومت خداحافظی می‌کند و انگلیس نیز مجبور به ترک مصر می‌شود و این کشور پس از هفتاد و چهار سال از چنگال استعمار پیر انگلیس رهایی می‌یابد.

۳-۲. تحلیل گفتمان انتقادی رمان «الطریق الطویل»

۳-۲-۱. سطح توصیف

در این مرحله، متن جدا از سایر متن‌ها و زمینه و وضعیت اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مجموعه ویژگی‌های صوری که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۹).

در مرحله توصیف، متن در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن بررسی می‌شود. نحوه استفاده از واژگان، عناصر گرامری و ضمایر به‌کاررفته در متن و شناسایی استعاره‌های موجود در متن، بعضی از مسائلی هستند که در این قسمت بررسی می‌شوند. مطابق این نوع تحلیل باید به این مسائل پرداخت که به لحاظ ایدئولوژیک چه نوعی از روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) بین کلمات وجود دارد؟ در سطح لایه واژگانی، جنبه استعاری واژگان و نحوه کاربرد ضمایر چگونه است؟ جملات بیشتر از نوع معلوم‌اند یا مجهول؟ جملات مثبت‌اند یا منفی؟ از کدام وجه خبری، پرسشی یا

امری استفاده شده است؟ آیا ضمیرهای ما و شما استفاده شده است؟ نحوه کاربرد آن‌ها چگونه است؟ (همان: ۱۷۰-۱۷۱).

۲-۳-۱. واژگان

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل گفتمان انتقادی در نظریه فرکلاف، بررسی لایه واژگانی است؛ چرا که می‌توان با استفاده از بسامد واژگان، گفتمان حاکم بر جامعه را بازتاب داد. «به‌هم‌پیوستگی و یکپارچگی واژگان در متن، یک معنا و مفهوم خاص را به تصویر می‌کشند و معنای واژگان مفرد چنان در ارتباط با دیگر عناصر حل می‌شوند که گویی فقط تداعی‌گر یک معنا و آن‌هم معنای برخاسته از کل سخن است» (الجرجانی، ۱۹۹۷: ۸۷).

بر اساس نظریه فرکلاف، یکی از مسائل مهمی که شناخت آن به فهم متن کمک شایانی می‌کند، درک نوع روابطی است که از لحاظ معنایی میان کلمات وجود دارد و ممکن است به سه صورت باشد؛ شمول معنایی، هم‌معنایی و تضاد معنایی که هرکدام جداگانه بررسی خواهد شد.

شمول معنایی در اصطلاح زبان‌شناسی، «به حالتی اشاره دارد که معنای یک واژه توسط یک واژه دیگر که معنای فراگیرتری دارد، پوشش داده شود» (شجاع‌رضوی، ۱۳۸۶: ۱۷).

نویسنده با ذکر پیاپی کلماتی که در سطحی فراتر از ظاهر، در بر دارنده مفهومی واحد هستند، در پی القای ایدئولوژی خود به مخاطب است. یکی از مواردی که نجیب به دنبال نشان دادن آن است، اوضاع اقتصادی سخت مردم مصر و فقر و تنگدستی آنان در نتیجه استعمار انگلیس و جنگ است. وی در موارد متعددی با ذکر کلماتی همچون «افلاس، ضیق، حرمان، فقر، بؤس و شقاء» که همگی در یک دایره معنایی قرار می‌گیرند، به شرایط سخت زندگی مردم در بُعد اقتصادی اشاره می‌کند. همچنین اوضاع جنگ و استعمار که فضای خاص خود را دارد نیز به واسطه استفاده نویسنده از رابطه شمول معنایی بین کلمات قابل مشاهده است. واژه‌های بسیاری در این رمان، مرتبط با حالات جنگ و استعمار است؛ از جمله: «حرب، دماء، خرابات، مذابح، دمار، انهيار، قتلی، جرحی، ضحایا، قتلة، مجاذر، مسدسات، مدافع، قنابل، انفجارات، أسلحة، معارك، جیوش، قواعد عسكرية، رصاص، معسکر، أسیر، سجن، تعذیب، أجساد، كتائب، الحرس الوطني، أعداء و أثلاء» که همگی تداعی‌گر فضای جنگ و تجاوز دشمن استعمارگر به کشور و نتایج اسفناک آن است. استفاده از این واژگان در سرتاسر رمان، حال و هوای خاصی به آن بخشیده است و به علت تکرار آن، موجب می‌شود مخاطب با آن فضا ارتباط برقرار کرده و به‌خوبی، حوادث رمان را درک کند. یکی از اصلی‌ترین اهداف کیلانی در رمان الطریق الطویل، با همنشینی این کلمات، به تصویر کشیده شده است؛ کلمات «حرية، استقلال، تحرر، ديموقراطية» نشانگر غایت نهایی از مبارزات مردمی در برابر استعمارگران است. ایدئولوژی اصلی نویسنده این رمان، تشویق مخاطب به مبارزه در برابر استعمارگر است؛ از این رو

کلمات دیگری نیز که از نظر معنایی مشابه هم هستند، مورد استفاده نجیب قرار گرفته است و به خوبی روح مقاومت و ایستادگی را به داستان تزریق کرده است. این کلمات عبارتند از: «کفاح، ثورة، انتفاضة، صراع، نضال، تضحية، عراك، دفاع، المقاومة الشعبیة». استعمارگران در ورای حمله و اشغال یک کشور، اهداف منفعت طلبانه خود را دنبال می‌کنند و در این طریق، از انواع ستم به مردم آن کشور نیز دریغ نمی‌کنند که انگلیس نیز از این قاعده مستثنی نیست. واژگان ذیل که معنایی مرتبط دارند، بازتابی خلاصه از اعمال دشمن استعمارگر را ارائه می‌دهد؛ «ظلم، استعباد، استعمار، استغلال، احتلال، استبداد، نهب، اضطهاد».

هم‌معنایی موردی است که در آن کلمات دارای معنای یکسان هستند. البته لازم به ذکر است یافتن کلماتی که کاملاً و به صورت مطلق معنای یکسان داشته باشند، دشوار است؛ از این رو باید به دنبال کلماتی گشت که هم‌معنایی تقریبی دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

استفاده از کلماتی که دارای معنای یکسان هستند، معمولاً برای تأکید به کار می‌رود. یکی از هنرهای نویسندگان، تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان به واسطه واژگان مورد استفاده است. حالات غم و اندوه که از تبعات و نتایج جنگ و استعمار و همچنین شرایط سخت زندگی مردم بوده، از مهم‌ترین مواردی است که مردم مصر در برهه زمانی ذکر شده با آن دست و پنجه نرم می‌کرده‌اند. از این رو کیلانی نیز کلماتی را به کار گرفته که این حس و حال را نشان دهد. کلمات «ألم، أسی، حزن، أسف»، همچنین «تألم، تأوه و توجع و تفجع» و یا «کتیب و حزین» از این دسته کلمات هستند که غم و درد ملت مظلوم را القا می‌نماید و می‌توان آن‌ها را کلماتی تقریباً هم‌معنی به‌شمار آورد. از دیگر نتایج جنگ، حاکم‌بودن حس ترس و وحشت در میان مردم است. کلمات «خوف، رهبة، ذعر و توجس»، این امر را بیان می‌سازد. کیلانی برای اینکه لزوم مبارزه در برابر دشمن استعمارگر را گوشزد کند، برپانخاستن و قیام‌نکردن در برابر ظالم متجاوز را مساوی با ننگ و عار برمی‌شمرد، تا از این طریق مخاطب را برای ایستادگی در برابر دشمن تحریک کند. وی از واژگان هم‌معنی «ذلة، خزي، عار، مذلة، احتقار» در این جهت سود جسته است. همچنین دو کلمه «انتقام و ثار» نیز نقش مهمی در این رمان و نتیجه نهایی آن دارند.

تضاد معنایی همان ناسازگاری معنایی است؛ یعنی معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار است (همان: ۱۷۸).

نویسنده با استفاده از تضاد بین برخی از کلمات و ایجاد دوگانگی میان آن‌ها، سعی در بیان دیدگاه خود دارد. همان‌طور که در بخش هم‌معنایی اشاره شد، کلمات «ذلة، خزي و عار» تقریباً هم‌معنی هستند؛ اما از طرفی با کلمات «کرامه و شرف» در تضاد هستند. این دوگانگی معنایی، بیانگر شرافت افراد در صورت مقاومت در برابر دشمن و در مقابل، ننگ و خواری در صورت بی‌اعتنایی به این موضوع است. اوضاع ناگوار اقتصادی و فقر سبب شد شیخ حافظ دخترش بسیمه را به‌عنوان خدمتکار به اسکندریه بفرستد. سلیمان با خود فکر می‌کند و این‌گونه می‌گوید: «ما شعورها حینما تری أولاد سیدها ینعمون بالملايس الزاهیه

الثمينة ويحظون بالدلال والرعاية والعطف، بينما هي تتلقف ما يقذفون به إليها من ثياب مستعملة وما يوجهونه إليها من تأنيب وازدراء؟» [وقتی ببیند فرزندان اربابش از لباس‌های زیبا و گران‌بها و نوازش و مراقبت و مهربانی برخوردارند، در حالی که او لباس‌های کهنه و توبیخ و تحقیری که آن‌ها به سویش روانه می‌دارند را دریافت می‌کند، چه احساسی خواهد داشت؟] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳). دوگانگی بین لباس سیمه و دختران اربابش و همچنین نوع رفتار با وی و آن دختران، نشان‌دهنده تنگدستی خانواده شیخ حافظ است. برخی افراد از اوضاع اقتصادی پیش آمده در نتیجه جنگ و استعمار، سوءاستفاده کرده و برای خود زندگی خوبی دست‌وپا کردند. مرسی/ابوغفر رباخوار از جمله این افراد بود که با احتکار کالاها و فروش با قیمت چند برابر در زمان گرانی‌ها، از این اوضاع سود جست و در نتیجه، «فارتفع من رجل فقير مغمور إلى تاجر كبير يملك ثلاثة أو أربعة آلاف جنيه» [او از یک مرد فقیر و شکست‌خورده به یک تاجر بزرگ که سه یا چهار هزار لیره دارد، تبدیل شد] (همان: ۵۹) که دو حالت مختلف او در هنگام فقر و ناداری و ثروتمند شدن به واسطه سوءاستفاده از دیگران را منعکس می‌سازد. سلیمان پس از مرگ شخصی به نام سید، با خود می‌گوید: «لست أدري هل ابتسم سيد للموت الذي أنقذه من شقاء الحياة وهوانها» [نمی‌دانم آیا سید به مرگی که او را از بدبختی و ذلت زندگی نجات داد، لبخند زد] (همان: ۳۴). این تضاد بین مرگ و زندگی نیز به نوعی اوضاع اقتصادی سخت مردم در این برهه را نشان می‌دهد؛ در حدی که شخص مرگ را به این نوع زندگانی ترجیح می‌دهد و مرگ، نجات‌دهنده از سختی زندگی به شمار می‌رود.

۲-۳-۱-۲. نوع افعال و جملات و کاربرد ضمائر

این داستان از نظر زاویه دید، دوگانه است و نویسنده از هر دو زاویه دید درونی و بیرونی بهره برده است. رمان از زبان شخصیت اصلی (اول شخص مفرد) آغاز می‌شود، اما رخدادهای رمان به زبان سوم شخص و از زاویه دید دانای کل روایت می‌شود و حالتی گزارش‌گونه دارد. از این رو جملات رمان، بیشتر خبری است. «استفاده از ساخت‌های وجه اخباری، نشان‌دهنده درجه قطعیت بالای متن و موضع اقتدار روایت است» (درپر، ۱۳۹۲: ۸۱). البته بخش زیادی از رمان نیز اختصاص به گفتگوهای دونفره دارد و کیلانی در به‌کارگیری عنصر گفتگو، از هر دو روش گفتگوی شخص با خود و گفتگوی شخص با دیگری استفاده کرده است. این گفتگوها در مواردی از وجه خبری خارج شده و وجه پرسشی به خود می‌گیرد. استفاده از جملات استفهامی، احساسات و حیرت مخاطب را برمی‌انگیزد تا به دنبال پاسخ برای آن باشد.

کیلانی بیشتر از افعال مثبت استفاده کرده و قصد دارد گفتمان را در ذهن مخاطبان مسلط کند؛ همچون: «الاستعمار يعادي كل تحرر وطني» [استعمار با هر آزادی ملی مخالفت می‌کند] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳۱۵) و «لقد حانت الساعة لأن ينتقم سعيد» [زمان آن فرارسیده که سعید انتقام بگیرد] (همان: ۳۳۰) و به عبارت دیگر، تسلط نویسنده باعث شده است که مخاطب بیشتر تحت نفوذ او قرار گیرد و این فرآیند به تاثیرگذاری

گفتمان منجر می‌شود. البته وی گاهی از جملات و افعال منفی نیز برای تأکید کلام خود استفاده می‌کند. از نظر معلوم یا مجهول بودن افعال نیز اغلب افعال و جملات، از نوع معلوم هستند که این معلوم بودن، نشان‌دهنده مشخص بودن شرکت‌کنندگان در فرایند است و این امر به شناخت دقیق نویسنده از آنان و همچنین تجربه نویسنده در فرآیند بازمی‌گردد. از طرف دیگر، مشخص بودن فاعل افعال، قدرت و توانایی مخاطب برای نتیجه‌گیری را بیشتر می‌کند و موجب فراهم شدن مقدمات فهم متن می‌شود. «سخنران با استفاده از جملات معلوم، اعمال را به انجام‌دهنده مستقیم آن نسبت می‌دهد» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۶۵).

در میان جملات خبری، بسامد جملات فعلیه بر جملات اسمیه غلبه دارد. جملات فعلیه «علاوه بر زمان‌مند بودن، بر پویایی و حرکت دلالت می‌کنند» (همان: ۸۳). رمان با جمله‌ای فعلیه شروع می‌شود: «كنت أسیر في طرقات قريتنا» [در خیابان‌های روستایمان قدم می‌زدم] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳) و پایان آن نیز جمله‌ای فعلیه است «سلمك الله» [خدا تو را حفظ کند] (همان: ۳۳۶) و از این‌رو بر فرایند انجام‌شده و فعل تأکید می‌کند. از منظر دلالتی می‌توان گفت جملات فعلیه دلالت بر حرکت، تغییر و دگرگونی دارند؛ همان‌طور که محتوای داستان نیز سعی در تشویق و به تکاپو انداختن مردم برای تلاش در جهت تحقق آزادی و استقلال، مبارزه در برابر استعمارگر و کوتاه‌ساختن دست متجاوز دارد و به تحریک و به جنبش انداختن فرد نظر دارد.

در خصوص ضمائر به‌کاررفته در رمان نیز، به این علت که زاویه دید اصلی رمان، سوم‌شخص است، هم ضمیر سوم‌شخص در این رمان به کار رفته و هم از سوی دیگر، به دلیل گفتگو محور بودن رمان و جملاتی که میان شخصیت‌های مختلف آن رد و بدل می‌شود، از ضمائر «أنا و أنت» و در موارد معدودی ضمائر جمع استفاده شده است. از نظر کارکرد گفتمانی ضمیر، می‌توان گفت این رمان تا حدود زیادی فاقد این ویژگی است؛ چرا که ضمیر را زمانی می‌توان دارای کارکرد گفتمانی مؤثر دانست که در روند داستان و القای گفتمان مورد نظر نویسنده، تأثیر چشمگیری داشته باشد که در این داستان این‌گونه نیست. البته گاهی تقابل بین ضمیرهای اول‌شخص و دوم‌شخص در این داستان، نشان‌گر دوگانگی بین شخصیت‌هاست.

۳-۱-۳-۲. جنبه‌های استعاری

یکی از مواردی که نجیب کیلانی برای نشان‌دادن بهتر ایدئولوژی مورد نظر خود و همچنین بیان هدفش در این رمان از آن استفاده می‌کند، استعاره است. همان‌طور که بارها در سطرهای پیشین گفته شد، فقر و ناداری مردم و همچنین بیماری در این دوره زمانی، بخش جدانشدنی زندگی مردم مصر بوده است. نجیب با استفاده از استعاره در جملات ذیل، شدت این امر را به تصویر کشیده است: «ويظهر الفلاحون بملابسهم الزرقاء الرثة، وبأقدامهم المشققة الحافية، وأجسادهم الضامرة الهزيلة التي أكلتها البلهارسيا، كما تأكل النار الهشيم،

و بطونهم المنتفخة التي ثوى فيها الداء، وأرهقتها العلة» [کشاورزان با لباس‌های آبی کهنه و پاهای ترک‌خورده برهنه و بدن‌های نحیف و لاغرشان که تب حلزون آن را بلعیده است، همچون آتش که گیاه خشک را می‌بلعد و شکم‌های متورمشان که درد در آن جا گرفته و بیماری آن را ناتوان کرده، نمایان می‌شوند] (همان: ۱۷). بیماری تب حلزون دارای استعاره مکنیه است؛ در حقیقت به چیزی تشبیه شده که توان خوردن دارد و سپس مشبه به حذف شده است؛ یعنی این بیماری چنان سخت بوده که گویی بدن نحیف مردم را می‌خورده است. استعمارگران انگلیسی در مصر از مصونیت برخوردار بودند و هر کاری مایل بودند انجام می‌دادند و به کسی جواب پس نمی‌دادند. فردی انگلیسی در حالت مستی رانندگی کرد با سرعتی دیوانه‌وار سبب مرگ یک شهروند شد. سلیمان بی‌قراری و ضجه پدر آن شخص قربانی را این‌گونه شرح می‌دهد: «تخرج كلماته موجعة محزنة تكاد تمزق نياط القلوب» [سخنان دردناک و غم‌انگیزی به زبان می‌آورد؛ در حدی که نزدیک است رگ‌های قلب از آن پاره شود] (همان: ۳۳) و «ترك أباه الشيخ يهذي ويخلط في كلامه، ويرسل عبارات التوجع والتفجع التي تذيب القلوب» [او پدرش شیخ را واگذاشت تا هذیان و سخنان درهم و برهم بزند و عبارات درد و اندوهی که دل‌ها را می‌سوزاند، بگوید] (همان: ۳۴). این دو جمله دارای استعاره از نوع مکنیه است؛ چرا که سخنان دردآور را دارای قدرت پاره‌کردن و ذوب‌کردن توصیف کرده و در واقع، شدت درد و غم پدر آن شخص در برابر بی‌مبالاتی انگلیسیان را نشان می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، خانواده سلیمان و سعید، نماد و نمونه‌ای از غالب جامعه مصر در آن زمان هستند. سلیمان در مدرسه و هنگام خوردن غذا، با دیدن سعید که غذایی به همراه خود ندارد، با بهره‌گیری از استعاره مکنیه، تنگدستی پدر سعید و پدر خود را بیان می‌کند: «لقد كنت أعلم أن أباه في ضائقة أشد وأقسى من الضائقة التي تأخذ بخناق أبي» [می‌دانستم که پدرش در مضیقه‌ای سخت‌تر و شدیدتر از مضیقه‌ای است که گریبان پدرم را گرفته است] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳۵). در این جمله نیز در مورد تنگنای مالی، فعل تأخذ بخناق گفته شده و واضح است که تنگنای مالی نمی‌تواند خود، گریبان کسی را بگیرد؛ بلکه گویی به انسانی تشبیه شده که گریبان دیگری را می‌گیرد و سپس مشبه به حذف شده است.

۲-۳-۲. سطح تفسیر

تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر، یعنی دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. همچنین از نظر مفسر، ویژگی‌های صورتی متن، در حقیقت به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر محصول، ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در این قسمت، پس از تقسیم سطح تفسیر به دو بخش، به تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۳-۲-۱. بافت موقعیتی

با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت. ماجرا چیست؟ یعنی در متن چه فعالیتی در حال انجام است؟ عنوان و هدف این فعالیت چیست؟ جان‌مایه متن چیست؟ جان‌مایه یک متن، عبارت است از خلاصه تفسیر آن به‌عنوان یک واحد کل که مفسر می‌تواند بدان دست یابد و در حافظه بلندمدت خود آن را نگهداری کند تا در صورت نیاز به آن مراجعه کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

این رمان، خوانشی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مصر است که حوادث جنگ جهانی دوم و استعمار انگلیس تا سال ۱۹۵۶ موجب آن شده بود. در حقیقت، داستان رمان، تصویری از چالش‌های مختلفی است که این کشور در ابعاد مختلف با آن روبرو بود؛ مانند رشوه‌خواری، بی‌عدالتی اجتماعی، فقر، فسق و فجور، تقابل سنت و مدرنیته، اوضاع نامساعد کشاورزان، حضور بیگانگان و استعمارگران، تحت‌الحماگی، هرج و مرج داخلی. رمان الطریق الطویل، به‌طور خاص درباره زندگی دو خانواده مصری است که می‌توان آن‌ها را همچون نمادی از اغلب مردم مصر به‌شمار آورد؛ دو خانواده‌ای که با چالش‌های مختلفی در طول این داستان روبرو می‌شوند. دو شخصیت اصلی داستان، سلیمان و سعید که دوست و همسایه و همکلاسی هستند، از ابتدا تا انتهای داستان حضور دارند و ماجراها و حوادث متعددی را پشت سر می‌گذارند. فقر و بیچارگی مردم در این برهه زمانی، وجه غالب این رمان است. از نظر اقتصادی، استعمار و جنگ، کشور را مختل کرده بود. *عبداللدائم* می‌گوید: «الحرب شلت حركة التجارة والإنجلیز خربوا بیوتنا» [جنگ، روند تجارت را فلج کرده و انگلیسی‌ها خانه‌هایمان را ویران کرده‌اند] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۶۲). از نظر سیاسی، حاکمان مصر نیز با انگلیس همراهی کرده و منافع خود را در این همراهی می‌دیدند. سعید می‌گوید: «الزعماء والملك والاستعمار جبهة واحدة ضد إرادة الشعب» [رهبران، شاه و استعمار همگی یک جبهه بر ضد خواست مردم هستند] (همان: ۲۱۲). از تبعات اجتماعی و فرهنگی استعمار نیز می‌توان تجاوز و هتک حرمت به بسیمه را نام برد (همان: ۳۰۸). از آنجاکه عامل این اوضاع نابسامان مردم، تجاوز انگلیس است، سیر مبارزات مردم برای بیرون‌راندن متجاوزان در این داستان مورد اشاره قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که وحدت و همبستگی مردم نقش خود را ایفا کرد و سرانجام مصر پس از سال‌ها از استعمار رهایی یافت.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ این پرسش نیز درباره زمینه مطرح می‌شود. فاعلان و شرکت‌کنندگان اصلی رمان، سلیمان، سعید و خانواده آن‌ها هستند. از سوی دیگر، مرسی ابوعفر و استعمارگران انگلیسی نیز شرکت‌کنندگان دیگر رمان را تشکیل می‌دهند. البته رمان، شخصیت‌های فرعی دیگری نیز دارد؛ اما آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی سیر داستان ندارند. از نظر جایگاه موقعیتی این افراد، در یک نگاه کلی، استعمارگران انگلیسی در جایگاهی فراتر نسبت به سایر شخصیت‌های داستان قرار می‌گیرند؛ چرا که

قدرت را در دست دارند و مسبب مشکلاتی برای مردم مصر، از جمله این دو خانواده نیز شده‌اند. از سوی دیگر مرسی ابوعفر رباخوار نیز به واسطه طلبی که از پدر سلیمان دارد، در جایگاه بالادست نسبت به دیگران قرار می‌گیرد؛ زیرا با استفاده از اهرم فشار بر خانواده سلیمان، باعث شد پدرش در نهایت مجبور شود دار و ندار خود را بفروشد تا بتواند طلب او را پرداخت کند. درباره سعید نیز می‌توان گفت به دلیل اشتیاق شدیدی که برای مبارزه با استعمارگران دارد و به سخن دیگران مبنی بر کم‌کردن از تندروی خود در این مسیر توجهی نمی‌کند، وی خود را در جایگاهی بالاتر از دیگران می‌بیند. بقیه شخصیت‌های رمان، همچون اعضای این دو خانواده، از لحاظ جایگاه اجتماعی در درون رمان، هم‌پایه هستند و ارتباط آن‌ها بیشتر تعاملی بوده و بر پایه فرادستی و فرودستی نیست.

۲-۳-۲. بافت بینامتنی

در رمان الطریق الطویل، در موارد متعدد، عبارت‌ها و جملاتی مشاهده می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آیات قرآن و مضامین اسلامی بهره گرفته است. به‌طور کلی نجیب کیلانی نویسنده‌ای است که موضوعات اسلامی در آثارش به‌وفور یافت می‌شود.

در رمان این جمله: «لا راد لأمرها ولا معقب لحکمها» [هیچ بازدارنده‌ای برای امر و حکم او نیست] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۸) برگرفته از آیات «وَإِنْ يُرَدِّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ» [اگر برای تو خیری بخواهد، هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت] (یونس/۱۰۷) و «وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ» [هیچ بازدارنده‌ای برای حکمش نیست] (رعد/۴۱) است. جمله رمان از زبان سلیمان و زمانی بیان می‌شود که مدرسه از دانش‌آموزان خواسته که برای سال تحصیلی بعد، لباس فرم تهیه کنند. از آنجاکه این خانواده در فقر شدید مالی به سر می‌برند، فراهم کردن این خواسته برای آنان دشوار است و سلیمان با خود این جمله را می‌گوید. کیلانی با استفاده از این جمله قصد دارد علاوه بر نشان‌دادن تنگدستی سلیمان و خانواده او، ناچاری و در مضیقه بودن آنان برای انجام خواسته مدرسه را نشان دهد؛ چرا که برآورده ساختن آن برای ادامه تحصیل سلیمان ضروری است. نجیب از بینامتنیت مستقیم نیز بهره برده است. جمله «لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم» [هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۰۸) به همین شکل در رمان ذکر شده است. این جمله از زبان شیخ حافظ و نشان‌دهنده این باور است: خداوند است که توان برای مقابله با دشمنان می‌دهد و پیروزی تنها در صورت یاری او به دست می‌آید. همچنین جمله «واستعینوا بالصبر والصلوة إن الله مع الصابرين» (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۳۲۳) که عمو به منظور دعوت سلیمان به صبر پس از فوت مادرش، آن را بیان می‌کند از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از صبر و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با صبرکنندگان است] (بقره/۱۵۳) گرفته

شده است که بینامتنیت آن نمایان است. این جملات همگی بیان‌گر عقاید دینی شخصیت‌های داستان است و به نویسنده در راستای هدف نهایی خود که پیروزی بر دشمن با امداد الهی است، کمک می‌کند.

۲-۳-۳. سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. فرکلاف تبیین گفتمان را به‌عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها می‌توانند چه نوعی از تأثیرات بازتولیدی را بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). رمان «الطریق الطویل» همچون دریچه‌ای است که از طریق آن می‌توان زندگی بخشی از افراد جامعه مصر و فقر حاکم بر آن محیط را به‌صورت عینی و محسوس مشاهده کرد. حس مبارزه‌طلبی در این رمان آشکار است. می‌توان هدف اصلی کیلانی از نوشتن این رمان را القای ایدئولوژی خود مبنی بر مقاومت در برابر دشمن استعمارگر دانست. در سطح تبیین، تقابل دو گفتمان رسمی و انتقادی قابل مشاهده است.

۲-۳-۳-۱. گفتمان رسمی

ورود انگلیس به مصر بر زندگی اجتماعی مردم، تأثیرات ناگوار فراوانی داشت. این تأثیرات، خود نمودی از گفتمان رسمی است؛ یعنی گفتمانی که قدرت را در دست دارد و در قالب حکومت مصر یا نظام استعماری انعکاس می‌یابد. این موارد از زبان شخصیت‌های داستان بیان شده است؛ همان‌طور که شیخ حافظ به آن اشاره می‌کند: «الإنجليز والحرب هما سبب البلاء، وعلة الفقر والجوع، والضائقات المالية التي يربح الناس تحت وقعها... لا بد وأنهم أساس الشقاء ومصدر الجوع والحرمان وكل المصائب» [انگلیس و جنگ عامل مصیبت و فقر و گرسنگی و تنگناهای مالی‌ای که مردم زیر فشار آن از پا درمی‌آیند، هستند؛ بلکه آنان دلیل بدبختی و منشأ گرسنگی و محرومیت و تمام مصیبت‌هایند] (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۵-۱۶).

نویسنده در تلاش است با بیان این سخنان و رفتارها از سوی شخصیت‌های داستان، تلنگری به مردم و سردمداران بزند، تا دست از همراهی با دشمن خود بردارند و سد راه ادامه این گفتمان شوند. گفتمان استعمارگران، تجاوز و ستم به مردم است و نویسنده با استفاده از شخصیت‌ها در برابر آن ایستادگی می‌کند. حاکمان عرب که قدرت را در دست دارند نیز جزئی از گفتمان رسمی به شمار می‌آیند و چگونگی عملکرد آنان را شیخ حافظ این‌گونه بیان کرده است: «الدول العربية كلها تمقت الإنجليز من كل قلبها ومع هذا فهم يحاربون جنبا لجنب معهم» [همه کشورهای عربی با تمام وجود از انگلیسی‌ها متنفرند و با این حال دوشادوش آن‌ها می‌جنگند] (همان: ۲۷). همچنین برای نشان‌دادن رفتار نامناسب انگلیسی‌ها با مردم مصر و به چالش کشیدن آن، جمله دیگری از زبان این فرد بیان می‌شود: «لو كان في كل بلد عربي خمسة مثل رشيد

عالی الکیلانی بطل العراق وعزیز المصری، لما استطاع الإنجلیز أن یسوقونا کالأغنام إلى میدان الحرب ویستغلوا أرضنا ومطاراتنا، بل وینهبوا أقواتنا» [اگر در هر کشور عربی پنج نفر مثل رشید عالی الکیلانی، قهرمان عراق و عزیز المصری وجود داشتند، انگلیسی‌ها نمی‌توانستند ما را همچون گوسفندان به میدان جنگ برانند و سرزمین و فرودگاه‌های ما را استثمار کنند. حتی خوراک ما را غارت کنند] (همان: ۲۸).

در این داستان، تقابل میان گفتمان نویسنده و در طرف مقابل، استعمارگران و حاکمان خودفروخته واضح است و می‌توان آن را در کنش‌ها و سخنان مطرح شده مشاهده کرد. از سویی دشمن به دنبال استمرار سلطه‌گری بر مصر است و از سوی دیگر، مردم به تدریج از غفلت بیرون آمده و در مقابله با متجاوز، گفتمان خود، یعنی آزادی‌خواهی را بروز می‌دهند. کیلانی این گفتمان همگانی را در عمل و سخن شخصیت‌ها تقویت کرده است. وی در این داستان علاوه بر شرح چگونگی تأثیر استعمار بر کشور، از عبارت «حقد مقدس» [کینه مقدس] برای توصیف این تقابل و مبارزه استفاده کرده و همچنین برای بیان نتایج استعمار در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی از زبان سلیمان می‌گوید: «کلنا یجمعنا حقد مقدس ضد هؤلاء الذین أفسدوا أمورنا السیاسیة والاقتصادیة وانحرفوا بالأخلاق والقیمم إلى طریق شانك حالك» [همه ما در کینه‌ای مقدس بر ضد کسانی که امور سیاسی و اقتصادی و انحرافوا بالأخلاق والقیمم] [همه ما در ارزش‌ها به مسیری بسیار تاریک شدند، متحد هستیم] (همان: ۲۳).

۲-۳-۳-۲. گفتمان انتقادی

شرایط سخت و ظلمی که انگلیس به مردم تحمیل کرد، سبب خشم مردم و به‌تنگ آمدن آنان از این اوضاع شد و بیداری در برابر دشمن متجاوز که یکی از گفتمان‌های مدنظر نویسنده است را در پی داشت. سلیمان با خود می‌گوید: «كنت أتساءل: ما السبب الذي جعل الإنجلیز یختارون دیارنا بالذات منزلا لهم؟ ولماذا نهابهم، ونرتعد منهم رغم أنهم غرباء، ونحن أصحاب الأرض؟» [می‌پرسیدم: چه دلیلی انگلیسی‌ها را وادار کرد که سرزمین ما، به‌طور خاص، را به‌عنوان منزلی برای خودشان انتخاب کنند؟ چرا با وجود این که آنان غریبند و ما صاحبان این زمین هستیم، از آنان می‌ترسیم و از (ترس) آنان (به خود) می‌لرزیم؟] (همان). کیلانی برای نشان‌دادن گفتمان موردنظر خود، در مقابله با گفتمان استعمارگران، از زبان شخصیت‌ها جملاتی را بیان می‌کند؛ مثلاً ناظم مدرسه، دانش‌آموزان به‌خروش آمده را این‌گونه خطاب می‌کند: «إنه لما یثلج صدر المستعمر أن نبقی فی ظلام الجهل» [وقتی جگر استعمارگران خنک می‌شود که ما در تاریکی جهل باقی بمانیم] (همان: ۱۷۰).

این بیداری همگانی که به تدریج در طی داستان خودش را نشان داد، به اتحاد برای بیرون‌راندن استعمارگر منجر شد؛ «الاستعمار یعادی کل تحرر وطنی، وکل انطلاق نحو حیاة أفضل، لهذا فلن یسکت عن مؤامراته وتدابیره، وعزأونا الوحید أن نکون شعبا یقظا واعیا لهذه الألاعیب، وأؤكد لك أن الاستعمار عندما یرانا کتلة واحدة

متماسکه سیحمل عصاه ویرحل» [استعمار با هرگونه آزادی ملی و هر قدمی به سوی زندگی بهتر دشمنی می‌کند؛ به همین دلیل از دسیسه‌ها و تدابیر خود دست برنخواهد داشت و تنها مایه همدردی ما این است که ملتی هوشیار و آگاه نسبت به این بازیچه‌ها باشیم. به شما اطمینان می‌دهم که وقتی استعمار ما را یک گروه منسجم ببیند، عصایش را برمی‌دارد و می‌رود] (همان: ۳۱۵).

عنوان رمان «الطریق الطویل» اشاره به راهی طولانی دارد که منظور از آن در ابتدا مشخص نیست؛ اما در جایی از رمان، سعید به سلیمان می‌گوید: «طریق الحرية طویل.. طویل جدا وممتلی بالشوک والالام والتضحیات» [راه آزادی طولانی است، بسیار طولانی و پر از خار، رنج‌ها وفداکاری‌ها] (همان: ۱۳۱) که این عنوان نمادی برای آزادی است و لزوم پایداری در این مسیر برای رسیدن به نتیجه و رهایی از یوغ استعمار را، علی‌رغم طولانی‌بودن آن، نشان می‌دهد. همچنین در این مسیر، همراهی و اتحاد مردم لازم است. شیخ حافظ در جواب به سؤالی درباره راه بیرون‌راندن انگلیس این چنین می‌گوید: «هم لن یخرجوا إلا إذا رأوا شعباً مُصرًا علی ذلك» [آنان نمی‌روند مگر مردمی را که بر خروجشان پافشاری می‌کنند] (همان: ۲۵۴)، ولی اگر مردم در کنار هم باشند؛ «الشعب هو الفائز دائما مهما طال الطريق» [راه هرچه هم طولانی باشد، این مردم هستند که همیشه پیروزند] (همان: ۲۸۲).

این گفتمان چنان در بین شخصیت‌های داستان و به‌خصوص سعید و سلیمان رسوخ می‌کند که سعید می‌گوید: «لابد أن نثار من هؤلاء الأوغاد» [ما باید از این پست‌فطرت‌ها انتقام بگیریم] (همان: ۲۸۴) و «یکفینا فخرنا أن نموت شهداء من أجل الحرية» [ما را همین افتخار بس که به‌خاطر آزادی شهید شویم] (همان: ۱۴۰)؛ و یا شیخ حافظ پس از اسیر شدن سعید به سلیمان می‌گوید: «إن دم التضحية یا ولدي یجری متسللا من أب لابن فی شرایینا» [پسرم، خون فداکاری به‌طور مستمر از پدر به پسر در رگ‌های ما جاری است] (همان: ۲۸۵) که بیان‌گر فراگیر شدن گفتمان مبارزه‌طلبی است. در پایان داستان، این استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر دشمن، بسیار برجسته می‌شود: «لن نسلم لهم بما یریدون ولو رصفوا الأرض بأجسادنا» [آنچه می‌خواهند به آنان نخواهیم داد؛ حتی اگر زمین را با جسد‌هایمان فرش کنند] (همان: ۳۲۸) و در نهایت منجر به رهایی مصر از چنگال استعمار انگلیس می‌شود.

به‌طور خلاصه، گفتمان نویسنده، گفتمان آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر ستم است؛ گفتمانی که در رهگذر استعمارستیزی، منجر به استقلال و آزادی شود. در سطح تبیین و با توجه به سه سؤال اصلی مطرح‌شده از نظر فرکلاف (عوامل اجتماعی، ایدئولوژی، تأثیرات موقعیتی) در این سطح، عوامل درونی و بیرونی زیادی در شکل‌گیری این گفتمان و سیر حوادث تأثیر داشته است: فقر و تنگدستی مردم، ظلم و ستم، فساد، نبود آزادی، بی‌توجهی به امور مردم، نفاق و خیانت رهبران از بن‌مایه‌های اصلی شکل‌گیری این گفتمان نزد نویسنده است. این عوامل منجر به شکل‌گیری مبارزات شد و این مبارزات که بر نهادهای اجتماعی تأثیر گذاشت، باعث همسو شدن مردم مصر شد و آن‌ها با تکیه بر همدیگر برای گفتمانی بر ضد

گفتمان حاکم تلاش کردند و این تلاش در بسیج همگانی مردم برای بیرون راندن اشغالگران نمود پیدا کرد و به تفکر و ایدئولوژی موردنظر، یعنی آزادی و مبارزه با متجاوزان، منجر شد.

نتیجه

بررسی و تحلیل رمان «الطریق الطویل» از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، این نتایج را به همراه داشت: مهم‌ترین گفتمان حاکم در این رمان، کسب آزادی، استقلال و مبارزه با دشمن استعمارگر است. نویسنده برای برجسته‌سازی این گفتمان بر اساس نظریه فرکلاف و انتقال مضامین موردنظر خود به مخاطب، از کارکردهای گفتمانی ذیل در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین استفاده کرده است. در این رمان و در سطح توصیف، واژگان، بار ایدئولوژیک دارند و نویسنده با استفاده از روابط معنایی بین کلمات، سعی در القای تفکر خود داشته است و از کارکردهای مختلف همچون شمول معنایی، هم‌معنایی و تضاد معنایی استفاده کرده است. از سوی دیگر، بهره‌بردن از جملات فعلیه، به رمان حرکت و پویایی بخشیده است؛ همان‌طور که هدف اصلی نیز تحریک بخشی در برابر استعمارگر است. همچنین افعال مثبت و جملات فعلیه در این رمان تکرار فراوانی دارند که در راستای تقویت گفتمان موردنظر نویسنده است. استفاده از جملات استعاری و بیان معانی ایدئولوژیک مدنظر نویسنده نیز از دیگر موارد قابل توجه در سطح توصیف به شمار می‌آید.

در سطح تفسیر، دانش زمینه‌ای متن با بافت بینامتنی پیوند خورده و از آنجاکه استفاده از ظرفیت متون و عقاید اسلامی نیز مورد توجه مؤلف بوده است، وی با ذکر جملاتی از قرآن و مضامین اسلامی از زبان شخصیت‌های داستان، باورهای دینی آنان را نشان داده و میان اهداف خود با مضامین عالی اسلامی، پیوند برقرار کرده است که این بینامتنیت به کیلانی در راستای دستیابی به گفتمان اصلی خود، یعنی مقاومت در مقابل متجاوز و کسب آزادی، کمک کرده است. در حقیقت، این جملات برگرفته شده از مضامین اسلامی، نشان‌دهنده آن است که اگر مردم در برابر ظلم به پا خیزند، خداوند نیز به کمک آنان می‌آید و خواست مردم با یاری خدا همراه خواهد شد.

در سطح تبیین نیز، اوضاع اجتماعی و زندگی ناگواری که مردم مصر به دنبال اشغالگری انگلیس با آن روبرو بوده‌اند، سبب ایجاد گفتمان مقاومت در برابر متجاوز شد. عوامل اجتماعی و روابطی که در شکل‌گیری این ایدئولوژی و گفتمان، یعنی آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر ستم نقش داشتند، عبارتند از: فقر و تنگدستی مردم، ظلم و ستم، فساد، نبود آزادی، بی‌توجهی به امور مردم، نفاق و خیانت رهبران که منتهی به گفتمان و دیدگاه موردنظر نویسنده؛ یعنی به دست آوردن آزادی، استقلال و مبارزه با دشمن استعمارگر شد. نویسنده با استفاده از تقابل میان گفتمان استعمارگران و گفتمان موردنظر خود، چگونگی به نتیجه رسیدن گفتمان خود را نشان داده است.

منابع

الف) منابع عربی

- قرآن کریم
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۷ م). *دلایل الإعجاز؛ شرح و تعلیق محمد التنجی*، بیروت: دار الکتب العربی.
- عکاشة، محمود. (۲۰۰۵ م). *لغة الخطاب السياسي دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية الاتصال*؛ مصر: دار النشر للجامعات.
- الکیلانی، نجیب. (۲۰۱۵ م). *الطریق الطویل*؛ قاهرة: دار الصحوة للنشر والتوزيع.
- الکیلانی، نجیب. (۱۹۸۵ م). *رحلتي مع الأدب الإسلامي*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة.
- الورقی، سعید. (۱۹۸۴ م). *في الأدب العربي المعاصر*؛ مصر: دار النهضة العربية.

ب) منابع فارسی

- آقاگل زاده و مریم سادات غیثیان. (۱۳۸۶ ش). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»؛ *مجله زبان و زبان شناسی*، سال سوم، شماره اول، پیاپی پنجم، صص ۷۸-۱۰۴.
- افضل، زهرا و مهری خیری زاده. (۱۳۹۱ ش). «بررسی و تحلیل عنصر درونمایه در رمان "الطریق الطویل" اثر نجیب الکیلانی»؛ *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۲۳، صص ۱۴۹-۱۷۴.
- بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹ ش). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- خضری، سیدمحمد رضا و علی عدالتی نسب (۱۳۹۷ ش). «زبان و گفتمان انقلابی در رمان "فراشه میدان" سلطان الحجار (بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف)»؛ *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، سال نهم، دوره جدید، شماره سی و دوم، صص ۴۵-۶۱.
- درپر، مریم. (۱۳۹۲ ش). «بررسی ویژگی های سبکی داستان کوتاه جشن فرخنده از جلال آل احمد با رویکرد سبک شناسی انتقادی»؛ *فصلنامه جستارهای زبانی*، شماره ۱، صص ۳۹-۶۴.
- زینی وند، تورج و سمیه صولتی. (۱۳۹۸ ش). «گفتمان شناسی انتقادی داستان کوتاه «طریق الخالص» با نگاهی بر رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف»؛ *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، سال یازدهم، دوره جدید، شماره سی و هشتم، صص ۴۳-۶۳.
- شجاع رضوی، سعید. (۱۳۸۶ ش). «جنسیت و شمول معنایی»؛ *فصلنامه پازند*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۱-۲۶.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹ ش). *تحلیل انتقادی گفتمان*؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ملا ابراهیمی، عزت و فهیمه یگانه دیزجور. (۱۳۹۳ ش). «بررسی و تحلیل شخصیت زن در رمان‌های نجیب کیلانی (مطالعه موردی: رمان‌های الطریق الطویل، قاتل حمزه و الرجل الذی آمن)»؛ زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۴، صص ۵۱۷-۵۳۰.
- نیستانی، محمود. (۱۳۷۹ ش). تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: (تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیلگر)؛ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ون‌دایک، ای‌تئون. (۱۳۸۲ ش). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی؛ ترجمه پیروز ایزدی و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹ ش). نظریه و روش در تحلیل گفتمان؛ ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

References

- The Holy Quran
- Al-Jurjani, A. (1997). **Evidence of miracles**, Description and suspension of Muhammad al-Tanji, Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Okasha, M. (2005). **The language of political discourse, an applied linguistic study in the light of communication theory**, Egypt: Universities Publishing House.
- Al-kilani, N. (2015). **Al-Tariq Al-Tawil**, Cairo: Dar Al-Sahwa for publishing.
- Al-kilani, N. (1985). **A journey with Al-Islamic literature**, Beirut: Al-Risalah Est.
- Al-Warqi, S. (1984). **In contemporary Arabic literature**, Egypt: Dar al-Nahda al-Arabiya.
- Afzali, Z & Kheirizadeh, M. (2012). "Examination and analysis of the thematic element in the novel "Al-Tariq al-Tawil" by Najib Al-Kilani"; **Journal of Iranian Language and Arabic Literature Association**, No. 23, pp. 149- 174.
- Aghagolzadeh, F & Ghiyasian, MS. (2007). "Dominant Approaches in Critical Discourse Analysis"; **Journal of Language and Linguistics**, 3rd year, 1st issue, 5th series, pp. 78-104.
- Bahrapour, ShA. (2000). **An Introduction to Discourse Analysis**, Tehran: Farhange Goftehan.
- Khezri S M R & Adalati Nasab, A. (2017). "Language and revolutionary discourse in the novel "Farashe Al Maidan" by Sultan Al-Hajjar (based on the theory of critical discourse analysis by Norman Fairclough)"; **Lisan-i Mubin Quarterly (Arabic Literature Research)**, year 9, new period, Number 32, pp. 45- 61.
- Darpar, M. (2013). "Investigating the stylistic characteristics of the short story *Jashne Farkhondeh* by Jalal Al Ahmed with the approach of critical stylistics"; **Linguistic Research Quarterly**, No. 1, pp. 39- 64.
- Zeinivand, Toraj & Solati, S. (2018). "Critical discourse analysis of the short story "Tariq al-Khalas" with a look at Norman Fairclough's critical approach"; **Lisan-i Mubin Quarterly (Arabic Literature Research)**, Year 11, new period, Number 38, pp. 43- 63.

- Shoja Razavi, S. (2007). "*Gender and Semantic Inclusion*"; **Pazand Quarterly**, Year 3, Number 10, pp. 11- 26.
- Fairclough, N. (2000). **critical analysis of the discourse**, translated by Fatemeh Shayesteh Piran and colleagues, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Molla Ebrahimi, E & Yaganeh Dizajvar, F. (2014). "*Examination and analysis of the female character in Najib Kilani's novels (case studies: the novels of al-Tariq al-Tawil, Qatil Hamzah, and Al-Rajul al-Dhi Aman)*"; **Women in Culture and Art**, Volume 6, Number 4, pp. 517- 530.
- Neyestani, M. (2000). **Critical discourse analysis in practice: (interpretation, explanation and position of the analyst)**; **Critical Discourse Analysis by Norman Fairclough**, Tehran: Center for Media Studies and Research.
- Van Dyck, E.T. (2003). **Studies in Discourse Analysis: From Text Order to Critical Exploration Discourse**, translated by Pirouz Izadi and colleagues, Tehran: Center of Media Studies and Research.
- Jorgensen, M & Phillips, L. (2010). **Theory and method in discourse analysis**, Translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.

تحليل الخطاب النقدي لرواية "الطريق الطويل" لنجيب الكيلاني في ضوء منهج نورمان فيركلاف

محمد مهدي كريمي^١، شهريار نيازي^٢

^١ طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة طهران، طهران، إيران.

^٢ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة طهران، طهران، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٠١/١٢/١٤

تاريخ القبول:

١٤٠٢/٠٨/١٣

إن تحليل الخطاب النقدي أحد الأساليب الجديدة في تحليل الخطاب والدراسات اللغوية والذي لا يقتصر على دراسة البيانات اللغوية فحسب، بل تأخذ أيضا في الاعتبار العمليات الأيديولوجية والسياقات الظرفية والاجتماعية والتناصية التي تؤثر على تشكيل الخطاب. يعد نموذج نورمان فيركلاف التحليلي أحد أهم الأساليب في تحليل الخطاب النقدي. في هذا الرأي، يتم تحليل الخطاب على ثلاثة مستويات: الوصف والتفسير والتبيين. يتناول البحث الحالي معتمدا على المنهج الوصفي التحليلي وفي ضوء منهج فيركلاف مستويات الخطاب النقدي في رواية الطريق الطويل لنجيب الكيلاني لشرح الأيدولوجيا والخطاب الذي قصده المؤلف. فأظهرت نتائج البحث أن نجيب الكيلاني قد أبرز وجهة نظره في الرواية المذكورة باستخدام وظيفة الكلمات والعلاقات الدلالية بينها والأفعال الإيجابية والخبرية واستخدام الجمل الاستعارية كما يسعى إلى تبيين آثار ونتائج الاستعمار على حياة الشعب المصري باستخدام التناص واستدعاء الموضوعات الإسلامية والنصوص القرآنية. يعبر الكيلاني بخطاب متشدد عن قضايا مثل الرغبة في الحرية والمقاومة ضد الظلم ويسعى إلى غرس أيديولوجيته ومفاهيمه مثل نيل الحرية والاستقلال ومحاربة العدو الاستعماري.

الكلمات المفتاحية: تحليل الخطاب النقدي، نورمان فيركلاف، نجيب الكيلاني، الطريق الطويل، الاستعمار.

الاقْتباس: كريمي، محمد مهدي؛ نيازي، شهريار (١٤٠٢). تحليل الخطاب النقدي لرواية "الطريق الطويل" لنجيب الكيلاني في ضوء منهج نورمان فيركلاف، مقالة محكمة، السنة الخامسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الرابع والخمسون، شتاء ١٤٠٢، ص ٤٥-٢٥.



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2023.18516.3511

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ره) الدولية.